

بررسی جایگاه اضطراب در حوزه‌های مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

فاطمه مسلم‌زاده^۱ / عرفان رهایی^۲ / سیدمهدی میرداداشی^۳ کاری^۴

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

کدمقاله: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۳

چکیده

اضطراب به حالتی اطلاق می‌شود که در آن فرد مجبور است برای دفع ضرر بزرگی از خود یا دیگری، اقدام به ارتکاب عملی نماید که جرم تلقی شده یا موجب ایراد خسارت به اشخاص دیگر می‌شود. پیامدهای ناشی از این اقدام در دو مبحث مسئولیت مدنی مضطر و مسئولیت کیفری مضطر قابل بحث می‌باشد. در خصوص اینکه مضطر فاقد مسئولیت کیفری ناشی از عمل ارتكابی خود می‌باشد، تقریباً اتفاق نظر وجود داشته و فقط باید شرایط حالت اضطرابی وجود داشته و منفعتی که حفظ می‌گردد، از منفعتی که از بین می‌رود ارزش بیشتری داشته باشد. اما در خصوص اینکه آیا فرد مضطر دارای مسئولیت مدنی هست یا خیر اتفاق نظر وجود ندارد. برخی با تکیه بر نقش تقصیر مضطر را فاقد هرگونه مسئولیت مدنی می‌دانند. گروه دیگر با استناد به نظریه ی مسئولیت محض بر این باورند که احراز تقصیر در تمامی موارد مسئولیت مدنی لازم نبوده و وضعیت مضطر یکی از مواردی است که بدون وجود تقصیر می‌توان فرد را دارای مسئولیت مدنی دانست و گروه سوم علی‌رغم پذیرش ضرورت وجود تقصیر در ایجاد مسئولیت مدنی، امکان رجوع به مضطر را از باب قاعده‌ی استفاده‌ی بدون جهت می‌دانند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش کتابخانه‌ای به تبیین مسائل فوق پرداخته شده و نتیجه حاصله این است که ضمن تایید عدم مسئولیت کیفری شخص در حالت اضطراب، باید بیان داشت که در خصوص مسئولیت مدنی شخص مضطر نیز نظریه‌ی سوم که رجوع به مضطر را از جهت قاعده‌ی استفاده‌ی بلاجهت ممکن می‌دانند، قابل قبول تر بوده و در عمل منجر به حفظ حقوق افراد بیشتری می‌گردد.

واژگان کلیدی: اضطراب، مضطر، مسئولیت، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

^۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. (نویسنده مسئول)

fatemeh.moslemzadeh@iau.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. erfandrahaee1@gmail.com

^۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. sm.mirdadashi1301@iau.ac.ir



مقدمه

اضطرار در حالتی ایجاد می شود که شخص ناگزیر میان انتخاب ارتکاب عملی که در حالت عادی برای وی ایجاد مسئولیت می نماید و یا ورود ضرر و آسیب به خود یا دیگری می باشد. مسئولیت را نیز می توان به دو قسم مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری تقسیم نمود. مسئولیت کیفری فرد را مستحق مجازات گردانیده و مسئولیت مدنی او را ملزم به جبران خسارت می نماید. سوال مورد بحث این است که مسئول دانستن فرد مضطر از نظر مدنی و کیفری چه شرایط و ویژگی هایی دارد؟ در حقوق اسلامی و همچنین قوانین مدنی و جزایی کشور ایران مشاهده می گردد که در بسیاری از مواردی که مسئولیت کیفری فردی زایل می گردد، حقوقی که دیگران بر ذمه ی او دارند همچنان پا برجا بوده و فرد ملزم به ادای آنها می باشد. (میر محمد صادقی، ۱۴۰۰، ۳۲) از نمونه ی آن می توان به موردی اشاره نمود که فرد مجرم پیش از اجرای مجازات فوت نموده و مجازات وی ساقط می گردد. اما دیه ای که بر عهده ی وی می باشد را می توان از اموال او استیفا نمود. چرا که ضرورت احترام به حقوق دیگران از مبانی اصلی حقوقی در فقه و قانون می باشد. از این رو این پرسش مطرح می شود که آیا اضطرار می تواند علاوه بر مانعی برای مسئولیت کیفری، مانعی برای مسئولیت مدنی نیز به شمار آید؟ در این صورت تکلیف فرد زیان دیده چیست؟ در پژوهش حاضر، پس از بررسی مفهوم اضطرار و تفکیک آن از مفاهیم مشابه نظیر اکراه و قوه قاهره، به تبیین تاثیر اضطرار در مسئولیت مدنی و تاثیر اضطرار بر مسئولیت کیفری پرداخته شده و در ادامه با نتیجه گیری و بیان پیشنهادات به پرسش های فوق پاسخ داده شده است.

۱- مفهوم اضطرار

۱-۱- تعریف اضطرار

اضطرار در زبان عربی، مصدر باب افتعال و از ریشه ضر به معنای ناچار بودن و مجبور شدن است. (المقری الفیومی، ۱۳۴۷، ج ۲، ۷) همچنین واژه ی اضطرار به معنای نیاز به چیزی می باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۸، ۴۸۳) همچنین اضطرار را می توان در معانی زیر دانست:

بیچاره و حاجتمند نمودن شخصی، بیچارگی نمودن، ناچاری، درماندگی، درماندن، محتاج کردن، احتیاج، بی اختیاری، جبر (لغت نامه دهخدا، ج ۱، ۱۳۸۵، ۵۷) تعریف اضطراب در اصطلاح گاه با مشکل روبرو می شود زیرا بعضی از حقوقدانان بر این باورند که به خاطر گوناگونی نمونه های اضطراب، نمی توان تعریف دقیقی از آن ارائه نمود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۸۷). اما بعضی دیگر از فقها و حقوقدانان تلاش نموده اند تا تعریفی از اضطراب بیان نمایند. به طور مثال برخی اضطراب را مسئله ای می دانند که امکان صبر کردن در مورد آن وجود ندارد. مانند گرسنگی (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۶۲۶) عده ای نیز در خصوص مضطر بیان میدارند که شخص در حالتی مضطر به شمار می آید که ترس از بین رفتن خود را داشته باشد. (حلی، ۱۴۰۸، ۷۵۵) برخی بیان میدارند که در اضطراب تفاوتی وجود ندارد میان این که مسئله ای که بر اراده ی مضطر تحمیل می گردد، به دلیل تهدید انسان دیگری بوده و یا ناشی از شرایط و اوضاع و احوال باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ۵۱۷) از سوی دیگر عده ی دیگری بر این باورند که در اضطراب، تهدید از خارج از خود فرد صورت نمی گیرد، بلکه این شرایط و اوضاع و احوال است که افراد را وادار می نماید که برخلاف میل باطنی خود رفتار کنند. (امامی، ج ۱، ۱۳۹۷، ۱۹۴) در حقوق کامن لا، تعریف دیگری از اضطراب بیان می گردد. اضطراب دفاعی تلقی می گردد که شخص برای ممانعت از ایجاد ضرر شدیدتر، مجبور به وارد آوردن ضرر کمتری می شود. همچنین در چنین مواردی ضرر به صورت عمدی وارد می شود. (۱۲۷، ۲۰۱۱، Catherine) در حقوق فرانسه، غالبا اضطراب یکی از صور اکراه تلقی گردیده و به عنوان اکراه ناشی از مقتضیات خارجی یا اکراه ناشی از حوادث شناخته می شود. (غفوریان، ۱۳۶۰، ۱۲۹)

۱-۲- تفاوت اضطراب با قوه قاهره

یکی از مفاهیمی که گاه با مفهوم اضطراب اشتباه می گردد، قوه ی قاهره می باشد. قوه ی قاهره به حوادثی تلقی می شود که غیر قابل پیش بینی، خارجی و غیرقابل اجتناب هستند. نظیر زلزله، سیل، جنگ، طوفان و عواملی از این دست. (صفایی، ۱۳۸۶، ۴۰۰) مطابق برخی از مواد قانون نظیر ماده ی ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، اگر فرد متعهد در قرارداد، بتواند قوه قاهره را اثبات نماید، از مسئولیت قراردادی معاف می گردد. همچنین ماده ی ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز بیان میدارد که اگر جنایت یا خسارت در اثر عوامل قهری ایجاد شود، ضمان منتفی می باشد. ماده ی ۱۵۲ قانون مذکور نیز از مواردی نظیر سیل و طوفان و زلزله به عنوان مصادیق خطر فعلی یا قریب الوقوع نام می برد. بنابراین

با توجه به اینکه عوامل طبیعی هم از مصادیق قوه قاهره و هم از مصادیق اضطرار می باشند، باید روشی پیدا نمود که بتوان به وسیله ی آن این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک نمود. برخی از حقوقدانان این دو مفهوم را دارای همپوشانی می دانند. این گروه بیان میدارند که چیزی که موجب ایجاد اضطرار می گردد، در غالب مواردی زمانی موثر می باشد که خارجی، پیش بینی نشده و غیر قابل اجتناب باشد. این موارد همگی از اوصاف قوه قاهره به شمار می آیند. بنابراین می توان چنین حادثه خارجی را عامل خارجی مرتبط دانست. مثلا اگر جاده ای که فرد در آن مشغول به رانندگی است باریک و لیز شود، راننده دچار اضطرار شده و برای حفظ جان مسافران خود به خودروی دیگر برخورد می نماید. در این حالت معمولا به خارجی بودن علت برخورد استناد می گردد زیرا راه سهل تری برای معافیت از مسئولیت می باشد. اما این موضوع از سویی اضطرار نیز تلقی می گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۲۴) برخی از حقوقدانان بیان میدارند که در تعدادی از آرای قضایی کشور فرانسه مشاهده می گردد که برای معاف شدن شخص مضطر از مسئولیت مدنی، به قوه ی قاهره استناد کرده اند. (امامی، ۱۳۸۹، ۶۱۱) در چنین مواردی رابطه ی سببیت میان عمل مضطر و ایجاد ضرر از بین رفته و همین امر باعث معافیت وی از مسئولیت جبران خسارت می گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۲۳) اما باید بیان نمود که میان قوه قاهره و اضطرار تفاوت های مشخصی وجود دارد. این تفاوت ها را می توان با در نظر گرفتن مراحل تحقق اراده مشخص نمود. اولین مرحله ی ایجاد اراده، تصویرسازی می باشد. مرحله ی بعدی تصدیق رفتار است که متعاقب سنجش منفعت و ضرر عمل در ذهن صورت می پذیرد. مرحله ی بعدی ایجاد شوق درونی در فرد بوده و پس از آن اراده ایجاد می شود. (محمد خانی، ۱۳۹۵، ۱۵۳) البته باید بیان نمود که صرف تصدیق کردن رفتار را نمی توان رضایت درونی دانست. چرا که در تصدیق رفتار و به دنبال سنجش مزایا و معایب ممکن است فرد امری را مصلحت خود بداند بدون آنکه بر انجام آن خواست درونی داشته باشد. همچنین زمانی می توان انتخاب یک رفتار را غیر اختیاری دانست که علت اصلی انتخاب آن، جلوگیری از زیان شدیدی باشد که در فرض عدم انجام آن رفت، به شخص وارد می آید. (میر سعیدی، ۱۳۸۶، ۱۶۲) در این حالت شخص دارای اراده است، اما نمی توان وی را مختار دانست. در تفاوت اضطرار با قوه ی قاهره باید بیان نمود که میزان تاثیر اضطرار بر اراده ی شخص مضطر به میزانی نیست که تصدیق رفتار را به طور کامل از بین ببرد، بلکه فرد مضطر وقتی زیان حاصل از فعل زیانبار را با زیان ناشی از تسلیم در مقابل شرایط اضطراری مقایسه نمود، بدین نتیجه می رسد که مصلحت در ایراد خسارت است. بنابراین با اراده ی

کامل اما بدون اینکه رضایت داشته باشد، ایراد خسارت را انتخاب می کند. اما در قوه قاهره فرد مهلتی برای تصدیق رفتار نداشته و ابتکار عمل از او گرفته می شود. در این حالت او به طور کامل در مقال قوای قاهره تسلیم شده و زیان وارد شده به طور کامل منتسب به قوه قاهره خواهد بود.

۱-۳- تفاوت اضطرابا اکراه

در تفاوت میان اضطراب و اکراه برخی بر این باورند که بر خلاف اکراه، اضطراب از رفتار کسی ایجاد نمی شود، بلکه ناشی از عواملی نظیر بیماری و گرسنگی و تشنگی می باشد. (انصاری، ۱۴۱۰، ج ۸، ۸۱) مطابق این تعریف، اضطراب می تواند معلول اوضاع اجتماعی، اقتصادی، جسمی یا حوادث طبیعی باشد. همچنین اضطراب هم ممکن است که به خاطر فشار و تهدید از سوی دیگری ایجاد شود اما این تهدید مانند اکراه مستقیماً اعمال نمی شود تا عمل اضطراری صورت گیرد، بلکه فرد برای مقابله با تهدید ایجاد شده مجبور به انجام آن رفتار می گردد. (شهیدی، ۱۴۰۰، ۱۹۳ و ۲۴۴) به بیان دیگر در بیان تفاوت میان اکراه و اضطراب باید بیان نمود که در اضطراب شرایط و اوضاع تهدید کننده به شکلی طبیعی به وجود آمده و عوامل انسانی در آن دخیل نمی باشند، اما در اکراه منشا و عامل تهدید عاملی خارجی بوده که عامل انسانی می باشد. بدین شکل که فرد با استفاده از توان و زورمندی خود و با سواستفاده از موقعیتی که دارد، شخص دیگر را به انجام عمل مورد نظر خود اجبار نموده و از او به عنوان وسیله ای در این راستا استفاده می نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۵، ۱۲۷) برخی نیز همسو بر این باور که عامل انسانی در ایجاد اضطراب نقشی ندارد بیان میدارند که وضعیت اضطراری را شخصی به طور عمد بر مضطر تحمیل نمی نماید. (حیاتی، ۱۳۹۲، ۱۸۹) اما به نظر می رسد که به طور کامل نتوان نقش دخالت عامل انسانی در اضطراب را نفی نمود. چرا که عامل انسانی ممکن است به صورت غیر مستقیم در ایجاد اضطراب نقش داشته باشد. بدین شکل که اضطراب حاصل تقصیر عمدی یا غیر عمدی شخص دیگری به جز عامل ورود زیان تلقی گردد. در مواردی نیز حتی ممکن است مضطر توسط عمد عامل انسانی مجبور به ایراد خسارت به خود یا غیر شود. بنابراین باید تفاوت اضطراب با اکراه را در این دانست که در اکراه، فرد اکراه کننده تهدید می کند برای انجام شدن عمل مورد نظر خویش، اما در اضطراب گاهی عوامل قهری و غیر انسانی دخیل هستند و گاهی عوامل انسانی به طور غیر مستقیم باعث ایجاد شرایطی می شوند که منتهی به اضطراب می گردد.

۲- تفاوت اضطرار در مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

۲-۱- مسئولیت مدنی در اضطرار

مسئولیت مدنی در اضطرار مسئله ای است که از دیرباز ذهن حقوقدانان را به خود مشغول نموده است. به طوری که در رم باستان نیز این مسئله مورد توجه و مورد بحث بوده است. مثال کلاسیکی در این خصوص وجود دارد که از نوشته های رم باستان به دست آمده و بیان میدارد که آیا یک فرد می تواند برای نجات دیگری از آتش، دیوار خانه ی همسایه را خراب نماید؟ حقوقدانان رم باستان در خصوص این پرسش، نظریات متفاوتی بیان داشته اند. برخی بر این باورند دفع خطر آتش به وسیله ی خراب کردن دیوار خانه ی همسایه نمی تواند یک دفاع مورد قبول در مورد مسئولیت مدنی وارد کننده ی خسارت باشد. دیدگاه دیگر این بود که فرد زمانی اجازه دارد دیوار مذکور را خراب نماید که آتش قبلاً به خانه ی همسایه رسیده و این خانه در هر حال خراب شود. عده ی دیگری نیز بر این باور بودند که حتی اگر خانه ی همسایه خراب نشود هم در هر حال مسئولیت مدنی برای تخریب کننده وجود نخواهد داشت. چرا که رفتاری که با در نظر گرفتن یک ترس معقول صورت پذیرد را نمی توان خطاکارانه به شمار آورد. (weinrib, ۲۰۱۱, ۲۰۶)

با توجه به نظریات گوناگون در خصوص مسئولیت مدنی شخص مضطر، می توان موارد زیر را بیان نمود:

۲-۱-۱- دیدگاه مسئولیت محض در اضطرار

در این دیدگاه بیان گردیده که برخلاف حقوق کیفری که اگر مرتکب در آن قصد ارتکاب جرم یا تقصیر نداشته باشد، نمی توان وی را دارای مسئولیت کیفری تلقی نمود، در حقوق مدنی خطا از ارکان تحقق مسئولیت مدنی به شمار نرفته و گاهی وجود خطا مفروض انگاشته شده است. همچنین در مواردی مبنای مسئولیت، تحمل محض تبعات عمل در نظر گرفته شده است. (حسنی، ۱۳۸۵، ۴۴) یکی از مصادیق اصلی این نظریه، ماده ی ۳۲۸ قانون مدنی می باشد. در مورد اضطرار نیز بعضی از حقوقدانان بر این باورند که مضطر مسئولیت محض دارد. مطابق این دیدگاه هر چند که در شرایط

اضطراری هر فرد متعارفی می کوشد تا ضرر بزرگتر را از میان برداشته و به همین دلیل ممکن است ضرر کوچکتري ایجاد نماید پس نباید وی را مقصر دانست، اما مبنای مسئولیت مدنی اشخاص تقصیر نبوده و می توان مسئولیت هایی را در نظر گرفت که بدون وجود تقصیر می باشند مانند اتلاف. بنابراین در شرایط اضطرار نیز می توان به مسئولیت بدون تقصیر حکم نمود. (صفایی، ۱۳۹۵، ۱۸۲) علت این که در این نظریه، مسئولیت مدنی مضطر از بین نمی رود این است که در چنین حالتی منافع و حقوق زیان زننده و زیان دیده دارای تراحم میگردد، و در این تراحم دلیلی برای ارجح دانستن منافع زیان زننده بر زیان دیده وجود ندارد. درست است که زیان زننده برای دفع زیان از خود یا دیگری مجبور به ارتکاب چنین عملی بوده است اما این امر تنها می تواند عنصر مجرمانه ی عمل وی و مسئولیت کیفری او را زایل نماید، اما ضرورت توجه به حقوق زیان دیده، وجود فعل زیانبار و وجود رابطه سببیت میان فعل و نتیجه ی حاصله، موجب می شود که در خصوص خسارت ایجاد شده مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. (بابایی، ۱۳۹۴، ۱۹۰) اما باید بیان نمود که طرفداران دیدگاه مسئولیت محض برای مضطر، تنها این نظریه را از نظر منطقی توجیه نموده و برای آن هیچگونه مستند قانونی را بیان ننموده اند. بنابراین به نظر می رسد تا زمانی که خود قانونگذار در مورد مشخصی مسئولیت بدون تقصیر را به رسمیت نشناخته است، نمی توان برای مضطر نیز با استناد به توجیهات منطقی، مسئولیت مدنی در نظر گرفت.

۲-۱-۲- دیدگاه عدم مسئولیت مدنی در اضطرار

باید بیان نمود که در ماده ی ۱۰۱-۱ اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی ذکر شده که زمانی می توان خسارت را به فرد نسبت داد که : اول: نتیجه ی حاصله به خاطر تقصیر در رفتار فرد ایجاد شده باشد. دوم: این نتیجه حاصل فعالیت خطرناک غیر متعارف فرد باشد. سوم: معاونت وی در محدوده ی عملکردش باعث آن شده باشد. (میرشکاری، ۱۳۹۵، ۲۹) بنابراین تقصیر اگر در سایر موارد وجود نداشته باشند، نمی تواند نقش اصلی را در مسئولیت ایفا نماید. اما باید توجه کرد که تقصیر همچنان یک عامل تعیین کننده به شمار می آید. به طوری که علی رغم برخی از استثنائات، تقصیر، نظریه ی اصلی مسئولیت مدنی در تعداد زیادی از کشورها می باشد. مثلاً در فرانسه اصل کلی مسئولیت مدنی را وجود تقصیر، مخصوصاً در موارد خارج از قلمرو حوادث بیان می دارند. (ژوردن، ۱۳۹۴، ۵۰) در حقوق ایران با اینکه در بعضی از مواقع، مسئولیت های بدون تقصیر در نظر گرفته می شوند اما

اکثریت حقوقدانان با در نظر گرفتن ماده ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای اصلی مسئولیت مدنی را تقصیر دانسته و مسئولیت های بدون تقصیر را استثنایی بر این اصل کلی می دانند. (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ۸۷، صفایی، ۱۳۹۵، ۸۳) بنابراین باید بیان نمود که در حقوق ایران، تقصیر علت اصلی ایجاد مسئولیت مدنی است مگر در مواردی که قانون استثنا نموده باشد. بنابراین در مورد موضوع اضطرار هم باید از همین اصل پیروی نمود. به این دلیل که در منابع اصلی بیانگر مسئولیت مدنی مانند قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، هیچ توجهی به مسئولیت مدنی بدون وجود تقصیر مضطر نشده است، بنابراین باید به همان نظریه ی تقصیر استناد نمود. تقصیر را نیز باید تجاوز از رفتار یک انسان متعارف و معقول دانست که اگر در شرایط مشابهی قرار گیرد، اقدام به انجام کارهایی می کند تا بتواند از ضرر بیشتر جلوگیری نماید. به همین دلیل نباید این فعل را تقصیر دانسته و مرتکب آن را مسئول تلقی نمود. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۶۰)

۲-۱-۳- دیدگاه استفاده ی بدون جهت

مطابق این نظریه، با وجود اینکه تقصیر شرط ایجاد مسئولیت مدنی بوده و از این باب نمی توان مضطر را مسئول قلمداد نمود، اما می توان از باب استفاده ی بدون جهت به وی مراجعه کرد. ضمن اینکه رجوع به مضطر بر مبنای استفاده ی بدون جهت، از مسئولیت مدنی سبک تر می باشد. زیرا اولاً زیان زنده فقط زمانی مسئول قلمداد می گردد که از ایراد ضرر دارای سودی شده و از این طریق از خود رفع زیان نماید. دوما الزام زیان زنده به جبران ضرر فقط شامل زیان های مادی بوده و زیان های معنوی و با واسطه را در بر نمی گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۲۷) اما برخی از حقوقدانان در رد این نظریه بیان میدارند که نمی توان استیفای بدون جهت را منبع مستقلی برای مسئولیت مدنی قلمداد نمود (صفایی، ۱۳۹۵، ص ۵۸) چرا که قانونگذار به صراحت چنین قاعده ای را مورد پذیرش قرار نداده است. (حیاتی، ۱۳۹۲، ۳۷۶) البته به نظر می رسد که باید مضطر عامل خسارت را از مضطر اتلاف کننده تفکیک نمود. زیرا در اتلاف تقصیر شرط مسئولیت نبوده و می توان مضطر را مسئول قلمداد نمود اما زمانی که مضطر سبب ایجاد خسارت شده، به این دلیل که در تسبیب احراز تقصیر از شرایط اساسی به شمار می آید، باید مضطر را فاقد مسئولیت تلقی نمود.

۲-۲- مسئولیت کیفری در اضطرار

۲-۲-۱- مبنای عدم مسئولیت

غالب حقوق جزای ایران از حقوق جزای اسلامی برگرفته شده است. در حقوق جزای اسلامی، اضطرار داشتن به این معنا می باشد که انسان خود را در شرایط فشار و گرفتاری احساس نماید و برای رها شدن از آن مجبور شود اقدام به انجام عملی نماید که در حالت عادی از انجام آن اجتناب می نماید. در حالت اضطرار این عقل و ضرورت است که فرد را به انجام چنین عملی وادار می نماید، بدون اینکه شخص دیگری مستقیماً مضطر را به انجام عمل مذکور اجبار نماید. در فقه جزایی، وجود اضطرار باعث می شود که رکن شرعی مسئولیت از بین برود. بدین معنا که هرگاه تبعیت از حکم قانونگذار باعث ایجاد زیان شدیدی در مکلف شود، وجوب آن از بین می رود. چنین امری در کتاب، سنت، اجماع و عقل نیز مورد تأکید قرار گرفته شده است. در حقوق جزای ایران، اضطرار ذیل مفهوم عوامل موجهه جرم و در کنار مفاهیمی نظیر امر آمر قانونی، دفاع مشروع و رضایت مجنی علیه ذکر گردیده است. بدین معنا که در شرایط اضطراری عنصر قانونی جرم زایل شده و ارتکاب اعمالی که در شرایط عادی جرم می باشند، در شرایط اضطراری فاقد مجازات به شمار می آیند. از زمره مصادیق قانونی اضطرار می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

اضطرار راشی در پرداخت رشوه، تخریب برای محافظت در برابر آتش، سقط جنین برای محافظت از جان مادر. در ماده ی ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده: هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد. تبصره- کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر میباشند نمیتوانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند. اما مطابق نظر حقوقدانان، حکم این ماده فقط در خصوص مسئولیت کیفری شخص مضطر بوده و مسئولیت مدنی وی را از بین نمی برد. بدین معنا که شخص ضامن خساراتی است که از فعل او ایجاد می شود. در از میان رفتن مسئولیت کیفری در شرایط اضطراری باید موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

۱. گاهی مضطر برای نفع خود به دیگری زیان می‌رساند. در این حالت تنها زمانی می‌توان وی را فاقد مسئولیت کیفری قلمداد نمود که نفع وی از زیان وارد آمده مهم‌تر باشد. مانند زمانی که فرد بر ای حفظ جان خود و بر اثر گرسنگی، اقدام به سرقت نان می‌نماید.

۲. گاهی مضطر، برای حفظ حق و مال دیگری مجبور به ایراد ضرر بر حق و مال فرد دیگری می‌شود. در این حالت نیز تنها در صورتی مضطر را می‌توان فاقد مسئولیت کیفری دانست که حق و مالی که وی اقدام به تخریب آن نموده، از حق و مالی که در صدد حفظ آن بوده مهم‌تر نباشد. مانند شرایطی که کسی برای نجات جان و مال الف از آتش، به زور و عنف وارد منزل ب که با منزل الف دارای ممر مشترک است می‌شود.

۲-۲-۲- شرایط تحقق اضطرار

برای اینکه فرد با استناد به قاعده ی اضطرار بتواند از مسئولیت کیفری رها شود، باید شرایطی وجود داشته باشد:

الف) خطر از پیش از عمل وجود داشته باشد:

بدین معنا که خطر باید موجود، اتفاقی و استثنایی باشد. یعنی برای امری که به طور مداوم و ثابت وجود داشته یا ممکن است در آینده ایجاد شود، نمی‌توان به اضطرار استناد نمود.

ب) خطر باید واقعی باشد:

بدین معنا که تصور خطر موثر نبوده و خطر فعلیت یافته یا قریب الوقوعی باید به طور واقعی وجود داشته باشد.

پ) فرد در ایجاد خطر عمد نداشته باشد:

اگر مضطر شرایط اضطراری و خطرناک را عمدا ایجاد کرده باشد، نمی تواند برای رهایی از مسئولیت به اضطرار استناد نماید.

(ت) ارتکاب جرم تنها راه جلوگیری از خطر باشد:

اگر مضطر بتواند از طریق دیگری از خود یا دیگری دفع ضرر نماید اما اقدام به ارتکاب جرم کند، نمی تواند با استناد به حالت اضطرار از مسئولیت کیفری رهایی پیدا نماید.

(ث) ارزش منافع حفظ شده، بیشتر یا مساوی با ارزش منافع از بین رفته باشد:

همانگونه که بیان شد، برای رهایی از مسئولیت کیفری باید چیزی که برای حفظ آن اقدام به ارتکاب جرم می شود، از چیزی که از بین می رود ارزش بیشتری داشته باشد.

نتیجه گیری

اضطرار را باید حالتی دانست که فرد در آن مجبور به انجام عملی می گردد که در حالت عادی ارتکاب آن جرم بوده و دارای مجازات می باشد و یا منجر به ورود خسارت و الزام فرد بر جبران آن می گردد. اما شخص مضطر غالباً برای جلوگیری از ضرر بیشتر اقدام به انجام چنین امری می نماید بنابراین باید از قواعد متفاوتی نیز برخوردار گردد. در خصوص اینکه آیا مضطر دارای مسئولیت کیفری می باشد یا خیر باید بیان نمود که غالب حقوقدانان اضطرار را از عوامل موجه جرم دانسته و شخص مضطر را قابل مجازات نمی دانند. این دیدگاه در ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی نیز پذیرفته شده است. اما برای اینکه مضطر از مجازات رهایی پیدا نماید باید بیان نمود که چه در حالتی که شخص برای رساندن نفعی به خود اقدام به ارتکاب عمل آسیب زننده به دیگری می نماید و چه در حالتی که برای دفع ضرر از خود یا دیگری این عمل را انجام می دهد، منافع که حفظ می گردند باید نسبت به منفعی که از بین می روند ارزش بیشتری داشته باشند. مثلاً حفظ جان در مقابل مال. همچنین تنها در شرایطی می توان به اضطرار استناد نمود که شرایط ذیل مهیا باشد:

۱. خطر از پیش از عمل وجود داشته باشد

۲. خطر واقعی باشد

۳. فرد در ایجاد خطر عمد نداشته باشد

۴. ارتکاب جرم تنها راه جلوگیری از خطر باشد

۵. ارزش منافع حفظ شده، بیشتر یا مساوی با ارزش منافع از بین رفته باشد

در صورت فقدان هریک از عوامل یاد شده نمیتوان فرد را فاقد مسئولیت کیفری دانست. اما در خصوص وضعیت مسئولیت مدنی در اضطرار اتفاق نظر وجود ندارد. دیدگاه های موجود در این میان را به سه دسته می توان تقسیم نمود:

اول: برخی با استناد به نظریه ی ضرورت تقصیر در مسئولیت مدنی، و با استناد به ماده ی ۱ قانون مسئولیت مدنی شخص مضطر را فاقد هرگونه مسئولیت می دانند. ایراد وارده بر این نظریه این است که در این حالت به شخصی که بی گناه دچار زیان گردیده توجهی نشده است.

دوم: عده ای با تمسک به نظریه ی مسئولیت محض، بیان میدارند مواردی وجود دارد که شخص بدون انجام تقصیر نیست دارای مسئولیت تلقی می شود مانند مسئولیت در اتلاف. بنابراین شخص مضطر را نیز باید دارای مسئولیت محض و بدون نیاز به اثبات تقصیر دانست. ایراد وارده بر این نظریه این است که برای توجیه خود تنها به قواعد منطقی استناد نموده و هیچ مستند قانونی ندارد. ضمن اینکه هیچ تفاوتی میان وضعیت شخص در حالت عادی و در حالت اضطراری قائل نشده است.

سوم: برخی نیز علی رغم پذیرش ضرورت احراز تقصیر در مسئولیت مدنی بیان میدارند که از سویی نمی توان فرد را دارای مسئولیت دانست چون فاقد تقصیر است اما از باب استفاده ی بلاجهت می توان به وی رجوع نمود. سودمندی این نظریه در این است که رجوع به مضطر بر مبنای استفاده ی بدون جهت، از مسئولیت مدنی سبک تر می باشد. زیرا اولاً زیان زننده فقط زمانی مسئول قلمداد می گردد که از ایراد ضرر دارای سودی شده و از این طریق از خود رفع زیان نماید. دوماً الزام زیان زننده به جبران ضرر فقط شامل زیان های مادی بوده و زیان های معنوی و با واسطه را در بر نمی گیرد.

هرچند دیدگاه فوق نیز دارای این ایراد است که استفاده ی بلاجهت به عنوان منبع مستقلاً برای مسئولیت مدنی تصریح نشده، اما با توجه به این که هدف اصلی حقوق حفظ حداکثری منافع همه ی افراد است، از نظر نگارندگان، نظریه ی سوم نظریه ی موجه تری می باشد. زیرا علاوه بر اینکه شرایط اضطراری را در نظر گرفته و رجوع به مضطر بر مبنای این قاعده، از مسئولیت مدنی سبک تر می باشد، در تزامم میان حق زیان زننده و حق زیان دیده، بی جهت حق زیان زننده را بر فرد بی گناهی که دچار خسارت شده ترجیح نداده و امکان جبران خسارت وی را باز نهاده است. پیشنهادی

که در این راستا می توان بیان نمود این است که با توجه به اینکه استفاده از قاعده ی رجوع به مضطر برای جبران خسارت از باب استفاده ی بدون جهت نیازمند تصریح می باشد، قانونگذاری با بازنگری در مواد قانون چنین موضوعی را پیش بینی نموده تا بتوان با استفاده از این قاعده، هم در جهت سود مضطر و هم در جهت سود زیان دیده اقدام نمود.



منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۲- امامی، اسدالله، (۱۳۹۷) بررسی تحلیلی تطبیقی قرارداد اجاره و قلمرو آن، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران
- ۳- بابایی، ایرج، (۱۳۹۴)، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، لغت نامه دهخدا، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۸)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران.
- ۶- حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۷- ژوردن، پاتریس، (۱۳۹۴)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران.
- ۸- ساولانی، اسماعیل، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، انتشارات رهام، تهران.
- ۹- شهیدی، مهدی، (۱۴۰۰)، حقوق مدنی ۳ (تعهدات)، انتشارات مجد، چاپ پانزدهم، دانشگاه تهران.
- ۱۰- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، چاپ دوم، تهران.
- ۱۱- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، چاپ نهم، تهران.



۱۲- غفوریان، احمد، (۱۳۶۰)، نقش اضطرار در مسئولیت مدنی، «مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.

۱۳- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۸)، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، انتشارات میزان، چاپ هشتم، تهران.

۱۴- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۶)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، تهران.

۱۵- کاتوزیان ناصر، (۱۳۹۲)، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، سهامی انتشار، چاپ هشتم، تهران.

۱۶- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۵)، قواعد فقه، بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ششم، تهران.

۱۷- محمدخانی، عباس، (۱۳۹۵)، عنصر روانی جرم، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.

۱۸- میرسعیدی، سید منصور، (۱۳۸۶)، مسئولیت کیفری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران.

۱۹- میرشکاری، عباس، (۱۳۹۵)، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.

۲۰- میر محمد صادقی، حسین، (۱۴۰۰)، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، انتشارات میزان، چاپ سی و یکم، تهران.

۲۱- نجیب حسینی، محمود، (۱۳۸۵)، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه علی عباس نیا، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، مشهد.



۲۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸)، لسان العرب، جلد اول، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.

۲۳- المقرئ الفیومی، احمد بن محمد، (۱۳۴۷)، جلد دوم، مصباح المنیر، بیروت.

۲۴- انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۰)، المکاسب، جلد هشتم، موسسه نور، بیروت.

۲۵- حلی، عالمه، مختلف الشیعہ، (۱۴۰۸)، موسسه نشر اسلامی، قم.

۲۶- محقق حلی، جعفر، (۱۴۰۸)، شرائع اسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

۲۷- Weinrib, Ernest (۲۰۱۱), Private Law and Public Right, University of toronto Law Journal, ۲۰۱۱

۲۸- Elliott, Catherine (۲۰۱۱), tort law, eight edition, England, ۲۰۱۱.

Necessity in Civil Liability and Criminal Liability

Fatemeh Moslemzadeh^۱ / Erfan Rahaei^۲ / Sayed Mahdi Mirdadashi Kari^۳

Article Number: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۳

Abstract

Necessity refers to a situation in which an individual is compelled, in order to prevent a serious harm to oneself or another person, to commit an act that is considered a crime or causes damage to other individuals. The consequences arising from such conduct may be examined under two categories: the civil liability and the criminal liability of the person acting under necessity. There is near consensus regarding the absence of criminal liability for the actor under necessity, provided that the conditions of necessity are fulfilled and that the interest protected is more valuable than the interest sacrificed. However, there is no consensus as to whether the person acting under necessity bears civil liability. Some scholars, emphasizing the role of fault, deny any form of civil liability for the necessitous actor. Another group, relying on the theory of strict liability, argues that proof of fault is not required in all cases of civil liability and that necessity constitutes one of the situations in which an individual may be held civilly liable even in the absence of fault. A third group, while accepting the necessity of fault as a basis for civil liability, justifies recourse against the necessitous actor on the basis of the doctrine of unjust enrichment. The present study, conducted through a library-based research method, examines the aforementioned issues and ultimately concludes that a person acting under necessity should not be deemed criminally liable. With respect to civil liability, the third theory appears to be more persuasive, as it is more effective in preserving the rights of a greater number of individuals in practice.

Keywords: Necessity, Necessitous Person, Liability, Civil Liability, Criminal Liability.

^۱. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran. (Corresponding Author) fatemeh.moslemzadeh@iau.ac.ir

^۲. PhD Student in Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Iran. erfandrahaei^۱@gmail.com

^۳. Associate Professor, Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Iran. sm.mirdadashi^۱۳۰۱@iau.ac.ir

